

عنوان مقاله

مفاهیم، حوزه ها و آسیب شناسی وحدت ملی و امنیت ملی:

بررسی تطبیقی در نظام جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر رجبلو استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

چکیده:

"امنیت ملی" با ابعاد نظامی و به منظور دفع تهدیدات خارجی معنا می گردد. نقش شهروندان در کشور، معنی امنیت ملی را دگرگون کرده است. حفظ تمامیت ارضی کشور و منافع حیاتی آن، در حوزه ی امنیت ملی قرار می گیرد. "وحدت ملی" به مفهوم اشتراک همه ی افراد ملت در آمال و مقاصد خاصی است، آنگونه که به منزله ی مجموعه واحدی در آیند. امنیت ملی از سوی آسیب‌هایی مانند: برهم خوردن وحدت ملی، جنگ، بحران سیاسی، تروریسم، امپریالیسم یا استعمار، نژادپرستی، ناسیونالیسم، برهم خوردن تعادل قوا، انفجار جمعیت و فقر و وابستگی های ناشی از آن تهدید می شود. وحدت ملی از سوی عناصری نظیر: اختلافات نژادی، زبانی، قومی، فرهنگی، مذهبی خلاء حوزه عمومی و نبود گفتمان عمومی در این حوزه، انزوای فرد و احساس بی قدرتی او، بیگانگی سیاسی، ابهام در هویت ملی، واگرایی سیاسی و کاهش کنترل اجتماعی به مخاطره می افتد. در جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، بر پایه اصولی همچون عدالت، اصل تفاهم بین المللی بر اساس تکیه بر قدر مشترکها، اصل مشارکت و تعاون در مسائل بین المللی، اصل برابری دولتها در استیفای حق آزادی و استقلال و حاکمیت و اصل لزوم احترام به قراردادهای بین المللی بنا نهاده شده است. وحدت ملی، در نظام جمهوری اسلامی، بر اساس عناصر پنجگانه وفاق اجتماعی و وحدت میثاقی، وفاق و وحدت ارزشی، وفاق و وحدت شناختی، وفاق و وحدت منزلتی و وفاق و وحدت نقشی مورد توجه قرار گرفته است. هم امنیت ملی و هم وحدت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بنحو چشمگیری مندرج میباشند. کلید واژه ها: امنیت ملی، وحدت ملی، آسیب شناسی امنیت ملی، آسیب شناسی وحدت ملی، امنیت ملی در جمهوری اسلامی، وحدت ملی در جمهوری اسلامی

سمینار هویت ملی اسلامی

تاسیس کشور - " ملت و " دولت - ملت " سابقه ای طولانی دارد. این مفهوم در عهد باستان نیز، تاحدودی تحقق یافته و ملل روم، ایران، هند و چین باستان، مصداقهای آن میباشد. مفهوم " کشور- ملت " با مضامینی چون حکمت، حاکمیت، سرزمین و جمعیت، محصول عصر روشنگری در اروپا است. این مفهوم با عناصری مانند:

صنعتی شدن، ناسیونالیسم، اقتصاد در سرمایه داری به رشد و تکامل دست یافته و دولت به معنای امروزی آن محصول این روند است. جایگزینی ملت های جدید، به جای جهان وطنی دینی، در پی دو دوره مهم در اروپا حاصل شده است. دوره اول ناظر به جنگ های صدساله مذهبی از ۱۵۵۰ میلادی تا ۱۶۴۸ میلادی است که منجر به قرارداد و ستفاليا بین سرزمین های جدید اروپا گردید و مرزهای نوین بر سمیت شناخته شد. این دوران پایه گذار ناسیونالیسم تلقی گردید. دوره دوم از سال ۱۸۱۵ و بدنبال شکست ناپلئون و تشکیل پارتی اروپا از سوی کشورهای فاتح مانند: انگلستان، روسیه، ایتالیا و پروس آغاز و در ۱۹۱۴ همزمان با شروع جنگ جهانی اول پایان می پذیرد. این دوره، به تثبیت ملت سازی و تفکیک حوزه علائق، فرهنگها، آداب و رسوم، هویت ملی و مرزهای جدید ملت ها منجر می شود. تجربه استعمار سبب می شود که عناصری نارسا از ملت سازی به کشورهاییکه امروزه جهان سوم نامیده می شوند، منتقل گردد و بحران های مداوم و مستمری را در پیکره این ملت ها پدید آورد. عناصری مانند: امنیت، همگرایی، واگرایی، مرزهای مصنوعی، آتش اختلافات درونی، فقر، جمعیت زیاد، نقصان توسعه و... حیات ملت ها را تهدید می کند. در این میان، دو مفهوم " امنیت ملی و وحدت ملی " با توجه به تعلق به حوزه منافع ملی و حیاتی کشورها، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشند. زیرا امنیت ملی با فاکتورهای مختلفی قابلیت تحقق می یابد و با عناصر متنوعی نیز تهدید می شود و امنیت ملی با وابستگی شدید به مفهوم " وحدت ملی " ارزش و جایگاه وحدت ملی را در ثبات و بقای کشور و ملت به نمایش می گذارد. این مقاله درصدد است با بررسی مفاهیم امنیت و وحدت ملی و آسیب شناسی آنها، کارکرد این مفاهیم در جمهوری اسلامی ایران را ارزیابی نماید.

ب. مقدمه

### امنیت ملی: مفهوم، حوزه ها و سنخ شناسی وجوه آن

تعارف بسیاری از امنیت ملی، در حوزه منابع حقوق و روابط بین الملل وجود دارد. اولین تعریف امنیت ملی با توجه به ابعاد نظامی ارائه گردیده و عبارت بود از: " توانایی کشور در دفع تهدید های خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود. " این تعریف با توجه به اهمیت نقش و جایگاه شهروندان در هر کشور، دگرگون گردید و " امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی و جزء مسئولیت حکومت های ملی قلمداد گردید تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیمها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. " ۲ هر دو تعریف با تاکید به تهدیدات خارجی، به حفظ امنیت ملی بر اساس احراز آمادگی های نظامی تاکید دارند. این امر به معنای تاکید بر جنبه عینی " امنیت ملی " می باشد. بر طبق نظریه ولفرز (wolfers) امنیت به معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزشهای کسب شده را مشخص کرده، و در معنای ذهنی فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزشها را معین می کند. ۴

اموری مانند: نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و فرهنگ ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور کشور، هم به حوزه داخلی وهم حوزه خارجی نظام سیاسی بر پایه جنبه عینی و ذهنی مربوط می‌باشد و نقش مهم و گسترده‌ای در حوزه نظام بین الملل ایفاء می‌کنند. بنابراین امنیت ملی یک کشور در درجه اول به معنای تامین شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزشهای فرهنگی و رفاه اقتصادی دور نگه دارد. بر طرف کردن عوامل ترس و ناامنی، چه داخل و چه خارج، از اساسی ترین هدفهای یک کشور است. همه دولت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک، چنین اشتغال خاطر دارند. ۴۰ هرچند در تعاریف امنیت ملی، تمام مقوله های داخلی و خارجی به توان نظامی کشور ربط داده شده اند، لیکن، قدرت نظامی مانع از احساس ناامنی و نگرانی نیست. تازمانیکه "نظام امنیت دستجمعی بین المللی" بر پایه اصول محکم و عادلانه و مورد قبول تمام بازیگران ملی در حوزه نظام بین الملل تحقق نیافته است. احساس ناامنی، نزد تمام کشورها، از جمله کشورهای قدرتمند جهان باقی خواهد بود. مهمترین حوزه در تعریف امنیت ملی، "حفظ موجودیت کشور" است که تحت عنوان "منافع حیاتی" از آن یاد شده است. منافع حیاتی نه تنها در حوزه صلاحیت دولت، بلکه، در حوزه صلاحیت شهروندان، نیز، تعریف می‌شود و چنانچه این حوزه به خطر افتد، ملت نیز وارد صحنه شده و به دفاع از منافع حیاتی خود می‌پردازد که شمار مثالها در این خصوص، بی نهایت زیاد بوده و در عرصه نظام بین الملل به اثبات رسیده است. با توجه به این معنا، امنیت ملی ناظر خواهد بود بر:

۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقا و ادامه نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و استقلال همه جانبه و حفظ حاکمیت کشور.

۲- حفظ منافع حیاتی کشور

۳- فقدان تهدید جدی از خارج، نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور.

بین حفظ منافع حیاتی کشور و حفظ و افزایش و نمایش قدرت آن، ارتباط وزینی وجود دارد زیرا انگیزه اصلی رفتار دولت‌ها، حفظ و تداوم امنیت ملی است. مفهوم کامل امنیت ملی، در حد فاصل "استراتژی قدرت ملی و وفاداری به صلح در عرصه بین المللی" بستگی دارد. براین اساس، قدرت ملی مبتنی بر توان نظامی، باید بازدارنده باشد. نه اینکه به تجاوز نظامی به حریم کشورها ی دیگر بینجامد. این بدان معناست که قدرت باید تا آنجا وجود داشته باشد که مانع تجاوز دیگران شود. این مفهوم، زمینه ساز "صلح در عرصه بین المللی" است. با توجه به این معنا، جنگ، مهمترین عامل "تهدید کننده امنیت ملی و بین المللی بوده و یافتن راه حل بنیادین برای حل آن باعث حذف مساله جنگ از صحنه بین المللی می‌شود. ۶

بنظر می‌آید که امنیت ملی مبنی بر شناسایی و دفع تهدید خارجی بوده و مفهومی چند وجهی مشتمل بر حفظ تمامیت ارضی کشور، امنیت سیاسی، روانی، فرهنگی و اقتصادی و دفاع از آنها در برابر تهدیدات خارجی و داخلی است. وحدت ملی: پیکره حیات اجتماعی "هنجارها و بنیانها

"وحدت ملی" ناظر بر دو کلمه "وحدت" و "ملت" است که تعریف آنها به فهم دقیق تر "وحدت ملی" کمک می‌کند. وحدت ملی به معنی یک بوان، یگانه بودن و یگانگی آمده است. ملت به مجموعه افرادی گفته می‌شود

که دارای زبان ، فرهنگ ، نژاد و سوابق تاریخی مشترکی هستند . بنابراین از برخی عوامل عینی که وجود آنها به ظهور ملت کمک کرده است ، میتوان به نژاد و خویشاوندی ، اشتراک دین ، اشتراک زبان ، بستگی های جغرافیائی و اقتصادی و همینطور تاریخ و سنتهای مشترک اشاره کرد .<sup>۷</sup> با توجه به این دو تعریف از " وحدت " و " ملت " وحدت ملی به معنی اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد خاص است ، آنگونه که به منزله مجموعه واحد ی به شمار آیند . به عبارت دیگر، وحدت ملی به این معنی است که مردم یک کشور دارای هر زبان ، نژاد ، مذهب و مسلکی باشند ، همیشه و در هر حال ، در امور سیاسی، به ویژه سیاست خارجی ، در برابر بیگانه متحد بوده و وطن را حفظ نمایند و در اختلافات بزرگ یا کوچکی که دارند بیگانه را دخالت ندهند و حل و فصل آنها به خردمندان ملت خود واگذار نمایند .<sup>۸</sup> وحدت ملی تابعی از مفهوم ملت و در چارچوب چهار عنصر حکومت ، حاکمیت ، سرزمین و جمعیت که پایه های تشکیل دهنده ملت در عصر جدید هستند، می باشند . وحدت ملی ، از این منظر ، با وحدت قومی تفاوت دارد زیرا وحدت قومی ناظر بر اجرای آداب و رسوم قبیله است در حالیکه وحدت ملی در معنای وسیعتر برپایه وجود ملت یا همان مفهوم من قبیله ای و مای ملت است و مرزهای قبیله ای در حوزه مرزهای ملت مسحیل شده و سرنوشت ملت بر پایه مرزهای جدید تعیین می شود.<sup>۹</sup> بنابراین واژه ملت یک پدیده سیاسی است ، چون نهایتا به قدرت ختم می شود و دولت در راستای ملت سازی ، زندگی و تداوم خود را دنبال می کند و سعی می کند که در تداوم این حیات ، به تقویت روح ملی بپردازد و آنرا سالم نگهدارد . در فرهنگ ملی و نظام فرهنگ بین الملل ، کشور به مثابه یک پیکر اجتماعی تصویر می شود که دولت مغز آن و مرزهای ملی ، شکل و اندام آن و تک تک آحاد ملت ، به عنوان سلول های آن در نظر گرفته می شوند . ترکیب این سلولها و دولت به عنوان ترکیبات اجتماعی و اداری ، ارکان حیات یک کشور " را پدید می آورند که مفاهیم هویت و ملیت به عنان سنگ بنای ساخت نظامات اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و مدنی ، ناشی از چنین ترکیبی است . وحدت ملی جایگاه مهمی در حفظ هویت ، ملیت و حیات ملی ایفاد می نماید . زیرا حیات ملی تنها هنگامی حفظ و حراست می شود که روح آن سالم نگه داشته شود و آنچه از آداب ، سنن ، ادبیات ، فرهنگ و تمدن برای هر ملت وجود دارد ، تار و پودر ملیت و هویت ملی به حساب می آید و تقویت هریک از این پدیده ها در واقع تقویت روح ملی خواهد بود .<sup>۱۰</sup> که مبین تاسیس مفهوم ملت بر پایه وحدت ملی است . این نگاه بر وحدت ملی ، ناظر به حوزه نگاه فرهنگی به مفهوم ملت است زیرا تاسیس " کشوو - ملت " بر طبق نهادهای فرهنگی و معنوی ویژه آن ملت امکان پذیر می گردد. به عبارت دیگر ، این پدیده ها یا نهادهای معنوی و فرهنگی هستند که فضای انسانی را به گونه ی محیطی جدا و مستقل از دیگر محیطهای انسانی مشخص می کنند و افراد وابسته به آن ، فضای انسانی را از سربلندی هویتی و از حس استقلال ملی برخوردار می سازند .<sup>۱۱</sup> تاسیس ملت مستلزم " وحدت ملی " است . زیرا هویت یابی ، استقلال حوزه های فرهنگی ، ایجاد الزامات خاص سیاسی و مدنی ، پایه گذرای حکومت و تزریق روح حاکمیت در آن ، تعیین حدود و ثغور مرزهای ملی و دربرگیری جمعیت و ژئوپلتیک خاص آن ، نیازمند همکاری یکایک آحاد ملی است . در آستانه تاسیس مفهوم ملت

و تکمیل بینانهای آن ، ناسیو نالیزم به عنوان قوی ترین معنا در غرب سده ۱۶ میلادی به بعد شکل گرفته و تقویت شده و به سایر کشورها سرایت تموده است .

آسیب شناسی امنیت ملی : مفاهیم و حیطه ها

با توجه به تعاریف و معانی و سنخ شناسی ارائه شده در بخش امنیت ملی ، آسیب شناسی و وسیع و گسترده ای از سوی متفکران و اندیشمندان ارائه شده است که در برگیرنده حوزه های متنوعی از تهدیدات میباشد . نظریه ضرورت رعایت اصل اختصار در مقاله ، حوزه های آسیب های امنیت ملی را میتوان به شرح زیر دسته بندی نمود :

الف - برهم خوردن وحدت ملی

وجود وحدت ملی ، مبین ، ظهور قدرت ملی است و فقدان آن زمینه کاهش اقتدار ملی و به تبع آن امنیت ملی را موجب می شود . اما بر هم خوردن وحدت ملی که به بحرانهای داخلی و بین المللی منجر می شود ، به عوامل متعددی بستگی دارد که مهمترین این عوامل عبارتند از: ۱- مبارزه سیاسی رادیکال و برپایه حذف رقیب از صحنه ، میان احزاب و گروههای سیاسی برای کسب قدرت سیاسی . این واقعیت ، در زمانی به یک خطر جدی مبدل می شود که احزاب ، منافع سیاسی خودشان را بر منافع ملی ترجیح دهند . پایان ناپذیری رقابتهای حذفی ، به بلوک بندیهای نظامی داخلی و ظهور آنارشیزم و تروریسم کور می انجامد .

۲- بروز درگیری های قومی و تصفیه های خونین نژادی که از مهمترین عوامل تهدید وحدت ملی و به تبع آن امنیت ملی است . مرزبندیهای استعماری در جهان سوم زمینه تشدید آتش اختلافات قومی را طی سه قرن گذشته زنده نگهداشته و همواره عامل تحقق بحران در وحدت و امنیت ملی بوده است . زیرا اقوام با سیاست های گریز از مرکز و اقدامات نظامی خشن به تضعیف حکومت و وحدت ملی به نفع قدرتهای سطح گر جهانی دامن می زنند . نمونه جنگهای لبنان ، افغانستان و بوسنی هرزگوین ، موید این واقعیت می باشد .

۳- جنگ های چریکی و پارتیزانی که توسط گروههای ایدئولوژیک و بویژه چک در شرایط میانی قرن بیستم ظهور کردند و بزرگترین تهدیدات علیه وحدت و امنیت ملی رادامن زدند . در حال حاضر ، به میزان زیادی از گستره این جنگها کاسته شده است و چنین جنگهایی ، بیشتر ، جای خود را به مناقشات ایدئولوژیک و سیاسی داده اند . ۱۲

ب - جنگ

جنگ در حقوق بین الملل معنای خاصی داشته و عبارت است از اینکه :

" برخورد میان دو یا چند دولت ، به گونه ای که نیروهای مسلح طرفین ، در گیر اقدامات خشونت آمیز متقابل شوند

" ۱۳ جنگ یک برخورد فیزیکی منظم اما مفهوم بحران بین المللی در آن کم رنگ است . ۱۸

۵۸- همان ، ص ۸۴

۵۹- همان ، ص ۹۸

۶۰- قرآن محید ، سوره بقره ، آیات ۳۴ و ۷۸

۶۱- سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی " امنیت ضامن بقای جامعه " تهران ، سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی ، سال ۱۳۷۷

۶۲- مجتهد زاده ، پیروز ، ۱۳۷۳ ، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس ، ترجمه حمید رضا ملک محمدی ، تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، بخش اول

63- Rolf.H.Magns, Th Gcc and Security: ThEnemy Withhout and The Enemy Within ,  
Journal OF South Asia And Middle Eeastern Study , Spring 1997 , pp .72- 94

۶۴- لاهوتی ، علی ، " ایالات متحده و امنیت خلیج فارس " ، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، سال نهم ، شماره ۱۱ و ۱۲ مرداد و شهریور ۱۳۷۴ ، ص ۷۲

۶۵- عطا القمیری ، " خطر ایران از دیدگاه رژیم صهیونیستی " ، گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران ، دمشق ، دیگاه ها و تحلیل ها ، سال هفتم ، شماره ۷۵ ، آذر ماه ۱۳۷۲ ، صص ۱۰۷-۱۰۱ ، همچنین ر.ک. به : جهانگیر کرمی " استراژی نظامی و برنامه های تسلیحاتی اسرائیل " ، مجله سیاست دفاعی ، سال پنجم ، شماره ۱۸ ، بهار ۱۳۷۶ ، ص ۱۸ و ر.ک. به: لوئیس رندبرس ، " اسرائیل ، ایران و دورنمای جنگ هسته ای در خاورمیانه " ، مترجم گروه ترجمه مجله بررسیهای نظامی ، مجله بررسی های نظامی ، سال پنجم ، شماره ۱۷ ، بهار ۱۳۷۳ ، ص ص ۱۱۹-۱۰۷

۶۶- ر.ک : سالنامه آمار کشور ، ۱۳۷۴ ، تهران ، انتشارات مرکز آمار ایران ، ۱۳۷۵ ، شماره مسلسل ۲۵۲۲ ، فصول دوم و بیست و سوم . همچنین ر.ک : مقایسه گزیده سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵-۱۳۷۵ ، تهران ، انتشارات مرکز آمار ایران ، ۱۳۷۶ ، شماره مسلسل ۲۵۳۷

۶۷- پرسش و پاسخ های حضرت آیت الله خامنه ای به پرسشهای دانشجویان در جشن دانش آموختگی دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۶ ، ص ۲۵

۶۸- رسالت دانشجوی مسلمان ، ج ۳ ، تهران ، روابط عمومی نهاد معظم رهبری در دانشگاه ها ، ۱۳۷۶ ، ص ص ۵۳-۵۲ ، در دیدار با گروه کثیری از مردم به مناسبت ۱۳ آبان ۱۳۷۶

۶۹- اصل ۲۶ قانون اساسی

۷۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه کیهان ، ۱۳۷۳/۵/۴ ،

۷۱- حضرت آیت الله خامنه ای ، در دیدار با مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۷۴/۷/۱۰

۷۲- چلبی ، مسعود ، و فاق اجتماعی ، نامه علوم اجتماعی ، جلد دوم ، شماره ۳ ، بهار سال ۱۳۷۲ ، ص ص ۲۸-۱۵

۷۳- قاضی ، ابوالفضل ، ۱۳۶۸ ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، مبانی و کلیات ، تهران ، دانشگاه تهران ، ص ص ۳۰۱-۳۰۳

۷۴- پیشین ، مسعود چلبی ، ص ۱۷

۷۵- منبع پیشین ، جلیل روشندل ، ص ۳۸

۷۶- همان ، ص ص ۷۱-۸۵

کنشها و واکنشهای خصومت آمیز طولانی با خورد هیا نامنظم نظامی به پایان و خطر ناک ، نیز ، در حوزه بحران سیاسی تعریف می شوند ۱۹

د: تروریسم

تاکنون تعریف جامع و کاملی که مورد قبول حقوق بین الملل و یا حقوق ملی کشورها با شد ، از تروریسم ارائه نشده است . با آنکه آمریکا داعیه رهبری مبارزه با تروریسم در جهان را دارد ، وزارت دفاع ، وزارت امور خارجه ، وزارت دادگستری و F.B.I

آمریکا ، تعاریف متعدد و متضادی از تروریسم ارائه داده اند . ۲۰ مراد از واژه تروریسم عموماً ، مصادقی از قبیل به وحشت انداختن ، استفاده از زور یا تهدید برای تضعیف روحیه و مدعوب ساختن و منکوب کردن دیگران ، با استفاده از وسایل خاص است . این تعریف زمانی کامل می شود که به متغیرهایی از قبیل : فاعل ، شرایط ، مشخص نمودن اهداف و شیوه های عمل نیز توجه شود . مثلاً دولتی که برای تسلط بر اوضاع داخلی ، سران یک جریان مخالف را مخفیانه به قتل می رساند یا دولتی که جریان جنگ با کشور دیگر ، به گروگان گیری رجال سیاسی آن کشور و یا قتل اتباع غیر نظامی میادرت می کند. ۲۱ ، تروریسم دولتی و تاکید بر فاعل ترور با توجه به شرایط داخلی و بین المللی تلقی می شود . کوتا و درگیری های خونین احزاب و جریانات سیاسی نیز ، در برخی موارد به تروریسم نزدیک می شود . حوزه تروریسم بسیار وسیع و متنوع است و کاربردهای وسیعی در نفی امنیت ملی یک کشور دارد که علاوه بر موارد فوق ، رفتار ، غافلگیرانه جهت ایجاد رعب ، وحشت ، اختناق و سلب امنیت و کشتن فرد و یا گروهی با اهداف سیاسی ۲۲ ، با استفاده از ابزارهایی چون اسلحه سرد و گرم ، هواپیماربایی ، آدم ربایی و گروگان گیری ، بمب گذاری و .... در زمره تروریسم محسوب می شوند .

ه: امپریالیسم یا استعمار نو

استعمار کلاسیک ، مستلزم حضور استعمارگر در مسعمرات بود . لیکن ، استعمار نو با آمیزه هایی از سلطه غیر مستقیم و پنهان در حوزه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، نظامی ، فرهنگی ، امنیتی و غیره کشورهای زمینه ایجاد بحران در امنیت ملی آنها را پدید آورد و برپایه منافع ملی خود ، بی ثباتی مداوم آنها را دامن زده است . استعمار سنتی و ملی در نسبت و مناسبات الگوی قدرت قرار می گیرد ، از حوزه جامعه شناسی سیاسی به آن توجه کرده اند در درون یک سیستم ، محیط های خاصی هستند که در تعامل آنها ، وحدت اجزاء سیستم شکل می گیرد. سیستم با توجه به تبادلی که با محیط دارد، بسته یا باز بودنش مشخص می شود. ۳۸ پارسوتر ، جامعه را مجموعه ای از اجزاء با روابط متقابل و مبتنی بر مکانیسمهای پیچیده از جمله مبانی اخلاقی می داند و عوامل همبستگی و استقرار نظام اجتماعی ، بنظر او عبارتند از : ارزشها ، هنجارها ، نهادها و نقش ها ۳۹ بنابراین ، وحدت ملی با کنار گذاشت اختلافاتی مانند اختلافات نژادی ، قومی ، زبانی و مذهبی ... ، به عنوان \* حیاتی همبستگی امکانپذیر می گردد. تجربه استمرار وحدت ملی ، در کشورهایی که موفق به تحقق آن شده اند ، نشان می دهد که پیوند نزدیکی با (( بحث و گفتگوی جمعی در حوزه عمومی )) دارد. زیرا به علائق جمعی و هویت جمعی و به تبع آن به هویت و منافع ملی می انجامد ۴۰ حوزه عمومی ، شبکه ای ارتباطی برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی به منظور مبادله معاونی بین افراد و گروهها است. ۴۱ کنش ارتباطی ، استفاده از گفتمانهای خاص برای دستیابی به راههای توافق همگانی است. ۴۲ مهمترین رکن کنش ارتباطی (( مشارکت )) است. مشارکت در حوزه عمومی رخ می دهد و چنانچه یک کشور ، از نظر حوزه عمومی دچار نارسایی باشد ، وحدت ملی بر پایه کنش ارتباطی به مخاطر می افتد زیرا از مسائل مورد توجه در آسیب شناسی ، به ویژه مشارکت سیاسی ، فقدان حوزه عمومی و از منظر دیگر ، حاکمیت حوزه حکومتی بر حوزه خصوصی بوده است. ۴۳ فقدان حوزه عمومی به نارسایی حوزه خصوصی و انزوای فرد و احساس بی قدرتی او می انجامد. نتیجه این روند (( ظهور بیگانگی سیاسی )) است که مبین واگرایی و اختلال در نظام اجتماعی و ایجاد بالقوه قدرت انفجاری (( علیه وحدت ملی است. بیگانگی سیاسی به صورت احساس بی قدرتی ، بی معنی بودن فعالیت سیاسی ، بریدگی از سیاست بطور کلی ، یا بی هنجاری (عدم پایبندی به ضوابط اخلاقی در رفتار) بروز می کند. چنین فرایندی به هویت فردی و به تبع آن هویت ملی نیز مربوط است.

زیر عدم مشارکت فرد ، باعث از بین رفتن روحیه و احساس مفید بودن است که این مسئله منجر به عدم درک کافی از فرهنگ و هویت خود می گردد. فرهنگی و هویتی که به منزله روح ملی در پیکره ملی می دمند و آنها به حرکت در می آورد : فرد در جامعه باید احساس سودمندی کند و مجموعه عوامل اقتصادی - اجتماعی یک جامعه اصل مشارکت و تعاون در مسائل بین المللی ، اصل برابری دولتها در استیفای حق آزادی و استقلال و حاکمیت و اصل لزوم احترام به قراردادهای بین المللی . اصل ۲۲ قانون اساسی ، بندهای اول ، پنجم ، ششم ، هفتم ، نهم ، دوازدهم و چهاردهم از اصل سوم قانون اساسی و بند اول از اصل بیست و یکم و اصل چهل و سوم ۴۹ به اشکال مختلفی از امنیت ملی توجه نموده اند. علاوه بر این موارد ، فصلی با عنوان ((شورای عالی امنیت ملی )) با یک اصل (اصل ۱۷۶) را نشان می دهد. تحقق امنیت ملی در جمهوری اسلامی به نهادهای مختلفی واگذار گردیده است که نیروی انتظامی ، بسیج ، سپاه پاسداران ، ارتش و وزارت اطلاعات نهادهایی هستند که وظیفه حراست از امنیت داخلی و امنیت ملی در برخورد با حوزه های پیرامونی را برعهده



دارند. ثبات و امنیت ملی به نحوه فزاینده ای با مقوله وحدت ملی و وحدت در جهان اسلام مرتبط است ۵۱ پیش شرطهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی عبارتند از: امنیت اجتماعی ۵۲ وحدت کلمه ۵۳، امنیت نظامی ۵۴، امنیت فرهنگی بر پایه خدا محوری ۵۵، امنیت سیاسی با هدف برگزاری آزادیهای مشروع ۵۶

در دوران پیش از پیروی انقلاب اسلامی، امنیت ملی بر عوامل متعددی مبتنی شده بود که این شاخص ها عبارت بودند از: قدرت سرکوب ارتش ۵۷، واحدهای پلیسی شامل: دژبانی، شهربانی، گارد شاهنشاهی، ژاندارمری شاهنشاهی ایران و واحدهای اطلاعاتی شامل: ساواک، رکن ۲، بازرسی شاهنشاهی و دفتر ویژه ۵۸ وابستگی به آمریکا ۵۹ اما امنیت ملی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در قالب نظام جمهوری اسلامی، مبتنی بر عوامل متعددی نظیر: حاکمیت ارزشهای دینی با هدف نفس استکبار ۶۰ و قدرت حضور و مشارکت مردم ۶۱ می باشد. عوامل نظامی مرتبط با امنیت ملی جمهوری اسلامی به عناصری نظیر: موقعیت ژئوپلیتیکی ایران ۶۲، پیمانهای نظامی منطقه ای ۶۳، حضور قدرتهای خارجی در خاورمیانه ۶۴، بحران فلسطین و وجود رژیم اشغالگر قدس ۶۵ بستگی دارد و عوامل اقتصادی متعددی بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی اثر می گذارد که عبارتند از: رشد سریع جمعیت با تغییر در بافت اجتماعی از نظر سن، جنس، قومیت ها، تحصیلات و افزایش بی رویه آن از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ که طی سی سال به بیش از دو برابر افزایش یافته و هم اکنون، ایران در رتبه بندی کشورهای پرجمعیت آسیا قرار دارد ۶۶، فقر و شکافهای طبقاتی و بی ثباتی و ظهور شکافیهای متعدد اقتصادی - اجتماعی که در اصول سوم بند ۹، ۱۲، ۱۳ اصل بیست و هشتم اصل بیست و نهم و اصل چهل و سوم قانون اساسی راهکارهای متعددی برای رفع آنها پیش بینی شده است، تهاجم فرهنگی از طریق بسته بندی های مبتذل فرهنگی، ماهواره ها، اینترنت و رسانه های گروهی و برنامه ریزی های قطعی دشمنان انقلاب و اسلام و ایران ۶۷، تحریم های اقتصادی قدرتهای بزرگ با هدف تضعیف دولت جمهوری اسلامی ۶۸، شرایط سیاسی دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با عبور از وضعیت مختلفی نظیر: روی کار آمدن میانه روها، روی کار آمدن آرمانگرایان، جنگ، تحریمهای اقتصادی، تروریسم، دوران پس از جنگ برپایه توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و حفظ وضع موجود، زمینه های مختلفی را تجربه نموده است با عوامل مختلفی سرو کار دارد که نسبت و مناسبات آن با امنیت ملی را پدید می آورند. این عوامل عبارتند از: احزاب و گروههای سیاسی بعنوان حلقه پیوند منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم گیر سیاسی که در اصل بیست و ششم قانون اساسی به آنها توجه شده است ۶۹ مطبوعات آزاد و حامی وحدت ملی ۷۰ انقلاب ارتباطاتی، فشارهای خارجی قدرتهای بزرگ ۷۱

در مجموع با توجه به شرایط نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و رعایت مولفه های هر یک و ایجاد بسته سازی مناسب به منظور ایجاد تعادل در محیط داخلی و بین المللی، می توان به حفظ امنیت ملی جمهوری اسلامی دست یافت. مولفه هایی که در حوزه های فوق بر شمردیم، می تواند الگوی مناسبی بر تحلیل و آسیب شناسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ارائه دهند.

آسی شناسی و جایگاه وحدت ملی در جمهوری اسلامی ایران وفاق اجتماعی و وحدت ملی، با توجه به مشارکت عظیم مردم در انقلاب اسلامی، سنگ بنای وحدت فراگیر و استفاده از پتانسیل آن در حفظ امنیت ملی و منافع حیاتی محسوب می شود. با توجه به گسترده بودن مفهوم وحدت ملی، پنج نوع وفاق را در ارتباط با آن می توان بر شمرد که عبارتند از:

۱- وفاق و وحدت میثاقی که عبارتست از حق فرد یا گروه برای ورود و خروج داوطلبانه به اجتماع عام ۷۲

۲- وفاق و وحدت ارزشی که مبتنی بر توافق نسبت به اهداف سیاسی جامعه و توافق بر سر آرمانهای هنجاری و اساسی مشترک جامعه است. ۷۳

۳- وفاق و وحدت شناختی که عبارتست از توافق بر سه شیوه های شرکت دیدن، احساس و عمل کردن و ارتباط داشتن ۷۴

۴- وفاق و وحدت منزلتی که مبتنی بر مجموع توانایی های یک فرد و پاداشها و مجازاتهای مورد توافق جامعه برای هر فرد در پایگاه خاص از حیث اجتماعی است.

۵- وفاق و وحدت نقشی که توافق بر سر میزان دخالت یا مشارکت یک فرد در پیوندهای مشارکت طلبانه و اعمال آمدیتی

- متابعتی است. وفاق میثاقی در اصول مربوط به مشارکت مردم در همه پرسی ها، انتخابات ریاست جمهوری، مجلس

خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراها و نیز رفتارندم پیش بینی شده است. وفاق ارزشی در اصول ۱۹، ۵۶،

۱۵۴، ۱۰، ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۱، ۱۵۲، ۴۲ و ۱۴۴ قانون اساسی پیش بینی شده اند و قانون اساسی در اصول ۱۲، ۱۳، ۱۴،

۲۰ تا ۲۷، ۸، ۶، ۷، ۸، ۹، ۵۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴ تا ۱۰۶، ۱۵ تا ۱۸، ۵، ۵۷، ۲۹، ۳، ۱۱۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۳، ۲۹، ۳۰، ۳۱،

۶۰، ۱۱۴، ۱۱۶ تا ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۳۵، ۳۹ تا ۴۱، ۵۷، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۷۷ تا ۸۳، ۸۶ تا ۸۹، ۹۲ تا ۹۵،

۹۸، ۹۹، ۳۲ تا ۴۲، ۶۱، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۴ تا ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۸، ۴۴ تا ۴۹، ۵۱ تا ۵۵، ۸۱، ۱۴۵، ۱۴۶،

۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۷۷ به صورت گسترده ای به وفاق و وحدت شناختی پرداخته است. اصول مختلفی

از قانون اساسی به صورت مکرر و با مفاهیم مختلف در حوزه وحدت وفاق منزلتی می باشند. این اصول عبارتند از: اصول

۵، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۳۸، ۶۲ تا ۶۴، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۷۴، ۹۱، ۱۱۲ و ۹۱

اما وفاق و وحدت نقشی در اصول ۵، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۱ تا ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۵، ۶۷، ۷۲، ۷۶، ۸۴، ۹، ۹۶،

۹۷، ۱۱۳، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳ تا ۱۷۴، ۹۲، ۹۸، ۹۹، ۱۱۲، ۱۰۸، ۱۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰،

۱۵۱، ۱۷۶، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۷۵ و ۱۷۷ مورد توجه قرار گرفته اند. آنگونه که از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی بر می

آید وحدت ملی در چارچوب وجوه پنجگانه با دقت و ملاحظات متنوع، مد نظر می باشند و این امر ناشی از اهمیت

محوری مشارکت مردم در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است که به نحو شایان ذکری در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ملحوظ گردیده است.

### نتیجه گیری

امنیت ملی و وحدت ملی، در تمام کشورها بعنوان بازیگران عرصه بین المللی اهمیت زیادی دارند. امنیت ملی مبتنی بر

حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و فرهنگ ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی

است. تعرض به امنیت ملی است و پیشگیری از این تعرض، عقیده تمام ملت های موجود در روی کره زمین است. وحدت ملی و امنیت ملی، از طریق منافع ملی و قدرت ملی با یگدیگر پیوند می یابند. منافع ملی در برگیرنده هر چیزی است که تنها از حیث سودی که برای ملت دارد ارزشمند است. قدرت ملی نیز به مجموع تواناییهای اطلاق می گردد که به یک کشور امکان می دهد، هدفهای ملی خود را در مناسبت بین المللی پیس ببرد. ۷۶ در این راستا وحدت ملی در زیر. خشن و متقابل، میان بازیگران بین الملل است. برخی اقدامات غیر دوستانه کشورها در عرف بین الملل نیز جنگ تلقی گردیده است مانند: جنگ تبلیغاتی، جنگ اقتصادی، جنگ شکر و قهوه، جنگ سفارتخانه ها، جنگ ستارگان و جنگ سرد. ۱۴- در حقوق بین الملل، عوامل عمده ای مانند: تجاوز مستقیم، اقدام پیشگیرانه، بروز بحران سیاسی و سابقه تخاصم تاریخی، موجبات جنگ را پدید می آورند. ایدئولوژی و اقتصاد و نیز از مهمترین علل جنگها به شمار می آیند. مثلاً جنگ جهانی اول حاصل رقابتهای اقتصادی دول اروپایی برسد مستعمرات و جنگ جهانی دوم حاصل تعارض ایدئولوژیهای کمونیزم، کاپیتالیسم، فاشیسم و نازیسم بود. برخی متفکرین معاصرمانند ساموئل هانتینگتون، جنگ تمدنها در آینده را پیش بینی می کنند.

ج- بحران در برابر ثبات معنا می شود. ثبات به معنای توانایی حفظ خود در برابر تغییر است و ثبات سیاسی به معنی توامایی یک نظام سیاسی برای پشت سر گذاشتن حوادث احتمالی و ممانعت از تحولاتی است که هویت آنرا تغییر میدهند. تأثیر تغییرات بر کشورهای مختلف متفاوتند. مثلاً یک هرج و مرج طولانی، شاید یک دولت را بی ثبات سازد. اما بردولت دیگر بی اثر باشد. به همین جهت نمی توان گفت که کدامیک از آن دو کشور، پیش از ورود به مرحله هرج و مرج با ثبات یا بی ثبات بوده است. ۱۵- بحرانهایی مانند: وقوع هرج و مرج عمومی، شورش، جنایات خشونت آمیز دستجمعی، اعتصابات و تظاهرات، عناصر ظهور بحران سیاسی هستند که اعتصاب در کشورهای دارای جامعه مدنی قوی، حربه مؤثرتری نسبت به سایر ابزارهای بحران سیاسی است. این عناصر به بحران در واحد سیاسی منجر می شوند و از نظر روابط بین الملل: بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن، تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر به بحران متغییر نظم موجود، پیدا می شود. ۱۶- در نظر یه سیستمی، وقوع بحران و عدم تعادل در نظام بین المللی با دخالت پاره ای از عوامل دچار ناسازگاری یا عدم تعادل می شوند و یکباره نظم موجود برهم می خورد و کل سیستم دچار ناامنی و اختلال می گردد. ۱۷- کنشها و واکنش های آشکار و قهری گروههای رقیب با لحاظ معانی آشوب سیاسی، شورش، انقلاب و جنگ، بحران سیاسی هستند اما مفهوم بحران بین المللی در آن کم رنگ است. ۱۸- کنشها و واکنشهای خصومت آمیز طولانی با برخوردهای نامنظم نظامی بی پایان و خطرناک، نیز، در حوزه بحران سیاسی تعریف می شوند. ۱۹

د- تروریسم

تا کنون تعریف جامع و کاملی که مورد قبول حقوق بین الملل و یا حقوق ملی کشورها باشد، از تروریسم ارائه نشده است، با آنکه آمریکا داعیه رهبری مبارزه با تروریسم در جکهان درآ دارد، وزارت دفاع، وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری و F.B.I آمریکا، تعاریف متعدد و متضادی از تروریسم ارائه داده اند. ۲۰- مراد از واژه تروریسم، عموماً، مصادیقی از قبیلی به وحشت انداختن، استفاده از زور یا تهدید برای تضعیف روحیه و مرعوب ساختن و منکوب کردن دیگران، با استفاده از

وسایل خاص است. این تعریف زمانی کامل می شود که به متغیرهایی از قبیل ، فاعل ، شرایط، مشخص نمودن اهداف و شیوه های عمل نیز توجه شود. مثلاً دولتی که برای تسلط بر اوضاع داخلی، سران یک جریان مخالف را مخفیانه به قتل می رساند یا دولتی که در جریان جنگ با کشور دیگر، به گروهان گیری رجال سیاسی آن کشور و یا قتل اتباع غیر نظامی مبادرت می کند. ۲۱- تروریسم دولتی و تأکید بر فاعل ترور با توجه به شرایط داخلی و بین المللی تلقی می شود. کودتا و درگیریهای خونین احزاب و جریانات سیاسی نیز، در برخی موارد به تروریسم نزدیک می شود. حوزه تروریسم بسیار وسیع و متنوع است و کاربردهای وسیعی در نفی امنیت ملی یک کشور دارد که علاوه بر موارد فوق، رفتار غافلگیرانه جهت ایجاد رعب، وحشت، اختناق و سلب امنیت و کشتن فرد یا گروهی با اهداف سیاسی ۲۲- با استفاده از ابزارهایی چون اسلحه سرد و گرم، هواپیما ربایی، آدم ربایی و گروهان گیری، بمب گذاری و ..... در زمره تروریسم محسوب می شوند .

قیمومیت، در حال حاضر بسیار کم رنگ شده است. اما استعمار نو با چهره امپریالیسم ، به نحو فزاینده ای در حال گسترش است. امروزه بسیاری از کشورها، مستعمرات اقتصادی با عناصر حکومت، حاکمیت، جمعیت و سرزمین هستند که قانوناً مستقل کشور ، بر امور اقتصادی آنها سیطره دارند و سیستم حکومتی کشور فوق را تابعی از سیاستگزاریهای اقتصادی- سیاسی خود کرده اند. بلوک بندیهای پس از جنگ جهانی دوم و متنوعی از بلوک بندیهای در حال ظهور جدید، مظاهر این شکل از سلطه در جهان به حساب می آیند. اگرچه در حقوق بین الملل، استقلال سیاسی کشورها مدنظر است. اما در روابط بین الملل، استقلال سیاسی بلوکها، بیش از استقلال سیاسی کشورها جلوه دارد. ۲۳

و- ناسیونالیسم

تعریف کامل و دقیقی برای ناسیونالیسم وجود ندارد. کوهن معتقد است : ناسیونالیسم ، در درجه اول یک حالت ذهنی و امر وجدانی است و عبارت از حالتی است که افراد جامعه در آن حالت، عالیترین وفاداریهای خودشان را به ملتشان ابراز کنند. ۲۴- شکل گیری مفهوم ناسیونالیسم در اروپا و پس از دو دوره صد ساله یعنی از جنگهای صدساله مذهبی ( ۱۶۴۸- ۱۵۵۰) که بر مبنای قرارداد وستفاليا به ظهور ملت‌های جدید انجامیدند و پارتی اروپا پس از شکست ناپلئون بنا پارت تا آغاز جنگ جهانی اول ( ۱۹۱۴- ۱۸۱۵)، حاصل گردید و بتدریج و به صورتی ناقص و بر پایه منافع استعمارگران وارد جهان سوم شد و با مرزبندیهای استعماری، کشورهای جدید جهان سوم بوجود آمدند که مرزهای آنها از میان قبایل عبور می کرد و موجب اشتعال بحرانهای مرزی و قومی و قبیله ای گردیده و تاکنون ملت سازی در جهان سوم را ناکام گذاشته اند . بنظر هابس، جنگ جهانی اول ، هم معلول ناسیونالیسم و هم عامل تشدید آن بود و امپراتوریهای چند ملیتی مانند اتریش- هنگری، عثمانی و روسیه متلاشی شدند و از بقایای آنها دولتهای ملی پدید آمدند. ۲۵- ظهور سازمانهای بین المللی با هدف ایجاد روابط متقابل و صلح آمیز میان واحدهای ملی نتوانسته است، جایگاه ناسیونالیسم را در میان ملتها تثبیت و از عوارض بحران زای آن علیه امنیت ملی بکاهد.

ز- برهم خوردن تعادل قوا

تعادل قوا عبارتست از برابری نسبی قوای نظامی دو یا چند بلوک از کشورهای رقیب یا متخاصم که عامل پیشگیری از جنگ و حافظ صلح است. از دوران جنگ دوم جهانی به بعد، سیستم بین المللی به سمت برقراری تعادل قوا بین اعضای

تشکیل دهنده آن میل کرده است. ۲۶- بلوک بیندیه‌های بین‌المللی، ناشی از وجوه ایدئولوژیک و استراتژیک بوده و هرگونه تغییر در بلوک بندی بر پایه منافع قدرتهای بزرگ و در قالب جنگ‌های منطقه و مرزی و یا شرایط بین‌المللی صورت گرفته است. برخی معتقدند که تعادل منطقه‌ای مطلوب تراس و تغییر در بلوک بندی خطر جنگ را افزایش میدهد. ۲۷- بنظر می‌آید ایجاد جنگ بین دو کشور جهان سوم، گاهی با هدف ایجاد تعادل مجدد قوایین بلوک بندیهای بزرگ، از سوی قدرتهای بزرگ جهانی صورت می‌گیرد که ناقض امنیت ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شوند. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از این نوع جنگ‌ها به شمار می‌رود که حاصل توافق دو ابرقدرت شرق و غرب با هدف تضعیف و یا نابودی یک عنصر جدید که وابسته به هیچیک نبود، صورت پذیرفت.

### ح- انفجار جمعیت

جمعیت بین سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی در هر قرن ۱۴ درصد افزایش می‌یافت. در حال حاضر این رشد طی یک دوره ۸ ساله صورت می‌گیرد. ۲۸- جمعیت جهان در ربع اول قرن بیست و یکم با ۱۴٪ افزایش، به حدود ۸/۵ تا ۹ میلیارد نفر خواهد رسید. ۲۹- آمارها بیانگر افزایش شدید رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم و رشد کند آن در کشورهای پیشرفته است. این مساله تناسب جمعیتی جهان را برهم خواهد زد. ۳۰- افزایش جمعیت در جهان سوم به تهدید امنیت منجر شده است چون قادر به تأمین نیازهای جمعیت افزوده نبوده‌اند. کمبود مواد غذایی اصلی‌ترین عامل تهدید امنیت ملی بر پایه جمعیت است زیرا کشورهای پیشرفته توان تأمین مواد غذایی خود را دارند در حالی که کشورهای جهان سوم، چنین توانایی‌ای را ندارند. ۳۱

### ط- فقر و وابستگی‌های ناشی از آن

فقر و وابستگی‌های اقتصادی، علمی، تکنولوژیکی و فرهنگی به قدرتهای بزرگ، بخش عمده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را در بر گرفته است. به جای ادامه برنامه توسعه همه‌جانبه، رقابت‌های نظامی، در آسیا و آفریقا، سبب فقر و بیکاری و اقتصادی کشورهای جهان سوم وابسته به قدرتهای استعماری شد و ملل و دول استعمارگر و وسایل مالی و فنی و منابع انسانی لازم را برای پیشرفت مقاصد استعماری خود جمع‌آوری می‌نمودند. ۳۳- بیکاری، افت سطح عمومی زندگی، تراکم جمعیت در محلات کثیف و محروم از عوارض فقر اقتصادی بوده است. این امر سبب کاهش جریان سرمایه‌گذاری جهانی در جهان سوم شده است. بگونه‌ای که تنها کمتر از ۲۰ درصد جریانهای سرمایه‌گذاری جدید به کشورهای جهان سوم راه می‌یابند. ۳۴- تقسیم جهان به دو بخش عمده کنترل‌کننده تکنولوژی صنعتی و تحقیقات علمی و گروه مصرف‌کننده که ناشی از بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این سرزمینها میباشد که به تحقیق ثابت شده، کشورهای مصرف‌کننده به کشورهای کنترل‌کننده وابسته‌اند، ۳۵- عوارض وخیمی را در بخش ظهور ناامنی در حوزه امنیت ملی دامن زده است.

### آسیب‌شناسی وحدت ملی: مفاهیم و حیطه‌ها

وحدت ملی برپایه آگاهی مردم یک ناحیه برنقش خودشان در تأسیس، زبان، تاریخ، حکومت و قوانین تحقق می‌یابد. ۳۶- برخی از متفکرین روابط بین‌الملل، کشور را همانند یک انسان با همه ویژگیهایش، میدانند. ۳۷- براین اساس، کشور به مثابه ((مجموعه واحد و سیستم)) در نظر گرفته می‌شود فعل و انفعالات درونی و تعامل بیرونی آن با محیط بین‌الملل، بر

پایه این نگاه سیستمی، دارای کارکردها و ویژگیهای خاصی است که از حوزه بحث این مقاله خارج است. هدف این مقاله آسیب شناسی یک مفهوم با عنوان (( وحدت ملی)) است که ناظر بر کم و کیف تعامل درونی سیستم میباشد. کارکرد گرایان با پذیرش این نکته که مقوله وحدت



سمینار هویت ملی اسلامی

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- روشندل، جلیل. ۱۳۷۴. امنیت ملی و نظام بین المللی، چاپ اول، تهران، سمت، ص ۱۱.
- ۲- ماندل، رابرت. ۱۳۷۷. چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۴۱-۵۲.
- ۳- فریدمن، لورنس. بی تا. ((مفهوم امنیت)) گزیده مقالات سیاسی امنیتی، به کوشش مؤسسه پژوهشهای اجتماعی، جلد اول، چاپ اول، تهران، بینش، ص ۳۱۹.
- ۴- منبع پیشین، جلیل روشندل، ص ۱۸.
- ۵- عامری. هوشنگ. ۱۳۱۴. اصول روابط بین الملل، چاپ اول، تهران، آگاه، صص ۳۶۷-۳۶۵.
- ۶- بوزان، باری. ۱۳۷۸. ((مردم، دولتها و هراس))، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۴-۱۵.
- ۷- عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳. بنیادهای علم سیاست، تهران، نشرنی، ص - ۱۵۵.
- ۸- آقا بخشی، علی. ۱۳۷۵. فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ص ۲۵۵.
- ۹- داوری اردکانی، رضا. ۱۳۶۴. ((ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال))، اصفهان، انتشارات پرسش، ص ۹۱.
- ۱۰- مجتهد زاده، پیروز. ۱۳۵۴. جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، مقدمه.
- ۱۱- مجتهدزاده، پیروز، هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۱۳۰-۱۲۹-۱۲۵، صص ۱۲۵.
- ۱۲- حیدری، غلامحسین، ((جغرافیای بحرانهای بین المللی))، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هشتم، شماره ۵ و ۶، صص ۳۴-۲.
- ۱۳- جمراسی فراهانی، علی اصغر. ۱۳۷۴. بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۳۵.
- ۱۴- کاظمی، علی اصغر. ۱۳۶۶. مدیریت بحرانهای بین المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، مقدمه.
- ۱۵- ویک لین، جان. ۱۳۷۹، دیپلماسی، ترجمه عبدالعلی قوام، تهران، قرمس، ص ۴۲.
- ۱۶- منبع پیشین، علی اصغر کاظمی، فصل دوم.
- ۱۷- همان منبع
- ۱۸- زنگنه، جمشید. ((شیوه های مدیریت بحرانهای بین المللی)) (اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال سوم، شماره ۲۹، ص ۲۷.
- ۱۹- همان منبع، ص ۲۹
- ۲۰- منبع پیشین، علی اصغر جمراسی فراهانی، فصل چهارم.
- ۲۱- همان، ص ۵۵.
- ۲۲- همان منبع.

- ۲۳- ارگانسکی . ۱۳۴۹ . سیاست جهان ، ترجمه حسین فرهودی ، تهران ، بنگاه نشر و ترجمه کتاب ، ص ۳۱۷ .
- 24- Cohn , hans , The Idea Of Natiionalism , Newyork , Mac Milan , 1949 , p. 78.
- 25- Leon . P. Baradat , Political Ideologies , NP , Pxentic hal Intional Inc, 1979 .
- 26- jack Planoand , Political Sciencw Dictionary , Illinois , Dryden Press , 1973 , P.26.
- ۲۷- بال، هدلی. ((توازن قدرت و نظام بین المللی))، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، سال سوم، شماره سوم، ص ۴۵۱. همچنین ر. ک. ب. :
- هوشنگ میرفخرایی، ((نظریه موازنه قوا))، مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره سوم، ص ۴۸۳.
- ۲۸- روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۰.
- ۲۹- روزنامه ابرار، دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۷۱.
- ۳۰- روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۲ مرداد ۱۳۶۲.
- ۳۱- سیف زاده، حسین، ۱۳۶۸، نظریه های مختلف در روابط بین الملل، تهران، انتشارات سفیر.
- ۳۲- روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۴ مهر ۱۳۷۰.
- ۳۳- راهنما، مجید. ۱۳۵۰. مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی، تهران، دانشگاه تهران، ص ۱۴۲.
- ۳۴- ابراهیمی مهر، محمدرضا، ((جهان سوم در دهه ۱۹۹۰، ماهنامه بررسی های بازرگانی، شماره ۹۰۳، بهمن ۱۳۷۳.
- ۳۵- الهی، همایون. ۱۳۶۷. امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، اندیشه، ص ۱۴.
- ۳۶- منبع پیشین، رضا داوری اردکانی، ص ۹۱.
- ۳۷- منبع پیشین، پیروزمجتهدزاده، مقدمه.
- ۳۸- بشیریه، حسین. ۱۳۷۴. جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشرنی، ص ۸۴.
- ۳۹- همان منبع، ص ۸۵.
- ۴۰- رضایی، عبدالعلی. ((مشارکت اجتماعی: وسیله یا هدف توسعه)) اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۱۰-۱۰۹، ص ۵۹.
- ۴۱- علی خواه، فردین. ((کنش ارتباطی بنیاد شکفونی حوزه عمومی))، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۴۰-۱۳۹، ص ۱۱۹.
- ۴۲- همان منبع، ص ۱۲۰.
- ۴۳- همان منبع، ص ۱۱۴.
- ۴۴- منبع پیشین، عبدالعلی رضایی، ص ۵۹.
- ۴۵- مقتدر، هوشنگ. ((گفت و شنودی درباره منافع ملی))، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۵۲-۱۵۱، سال ۱۳۷۹، ص ۶۷.
- ۴۶- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۰. زنجیر تنازعی درسیاست و روابط بین الملل، تهران، نشر قومس، ص ۲۵۷.



- ۴۷- منبع پیشین، حسین بشیریه، ص ۸۵.
- ۴۸- دفتر عقیدتی سیاسی ناجا، مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروهای انتظامی، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۹، فصل اول .
- ۴۹- ر. ک. ب : قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۵۰- همان، اصل ۱۷۶ .
- ۵۱- همان، فصل اول ، ص ۱۱ .
- ۵۲- آیت اله شریعتمداری جزایری، (( امنیت در فقه سیاسی شیعه )) ، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم ، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۱.
- ۵۳- قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۰۵ .
- ۵۴- پیشین ، شریعتمداری، ص ۱۳ .
- ۵۵- همان ، ص ۱۷ .
- ۵۶- احمدی ، حبیب اله . ((دین، پشتوانه امنیت ملی)) ، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم ، شماره ۹، ۱۳۷۹ ، ص ۱۴۹.
- ۵۷- هالیدی . فرد. ۱۳۵۸ . دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران ، ترجمه فضل اله نیک آیین ، تهران،امیرکبیر ، ص۸۲ .